سال بیست و هفتم – شماره ۱۱۱۴

نسیم جنوب

www nasimjonoub COM

شنبه ۲۰ بهمن ۱۴۰۳ – ۸ صفحه

۲۰۰۰ تومان (مبلغ فروش به کیوسک مطبوعاتی تعلق می‌گیرد)

چشم‌انداز توسعه بوشهر؛ پلی به آینده یا رویایی بر روی کاغذ؟

برنامه هفتم توسعه؛ فرصتی برای پیشرفت استان بوشهر



واکاوی دلایل ناکامی نیروهای محلی بوشهر در جنگ جهانی اول

بریتانیا و پراکندگی نیروهای مقاومت جنوب

دکتر حمید اسدپور

فراخوان ثبت نام در هشتمین دوره جایزه امید آفرین

ثبت نام در هشتمین دوره جوایز آموزشی و پژوهانه امید آفرین در بخش‌های (۱) سلامت، پزشکی و محیط‌زیست (۲) رشته‌های فنی و مهندسی (۳)حوزه مدیریت و علوم انسانی آغاز شد.

به گزارش روابط عمومی بنیاد نخبگان استان بوشهر: به همت بنیاد نخبگان استان بوشهر و بنیاد رشد و اندیشه سازندگی استان بوشهر ثبت نام در هشتمین دوره جوایز آموزشی و پژوهانه امید آفرین در بخش‌های زیر آغاز شد؛

(۱) سلامت، پزشکی و محیط زیست به نام «پروفسور ایرج نبی پور»،

(۲) رشته های فنی و مهندسی به نام «پروفسور محمود مشفقیان»

(۳)حوزه مدیریت و علوم انسانی به نام «پروفسور سیدجعفر حمیدی»،

ویژه دانشجویان مستعد و دانش آموختگان برتر(بومی و غیربومی) شاغل به تحصیل در دانشگاه‌های ایران و جهان(دولتی و غیردولتی)

جایزه علمی امیدآفرین با هدف ترویج فرهنگ خداپسندانه وقف و پشتیبانی از فعالیت‌های نخبگانی مستعدین برتر بومی استان بوشهر با تعریف کرسی «جایزه علوم مهندسی» با حمایت شخص پروفسور محمود مشفقیان(دانشمند برجسته بوشهری مهندسی نفت در دنیا)، پیگیری بنیاد نخبگان استان و دانشگاه خلیج‌فارس آغاز شد.



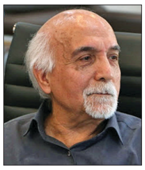
مهلت ثبت نام: ۱ الی ۳۰ بهمن ماه ۱۴۰۳

برای دریافت شیوه نامه کلیک کنید.

سایت ثبت نام: omidafarinbu.ir

تقاضای کمک برای نیازمندان توسط افراد ناشناس

حسین حشمتی



طی یک هفته اخیر چند نفر با بنده تماس تلفنی گرفته و تحت عنوان خیریه حضرت... تقاضای کمک نقدی کرده‌اند. اگرچه با پرسش چند سؤال پی به جعلی بودن خیریه‌ها برده و پاسخ مقتضی داده‌ام، اما جای تأمل است که موسسات رسمی که قانوناً مسئول رسیدگی به نیازمندان جامعه هستند و بودجه و امکانات لازم را در اختیار دارند، چرا از وجود این قبیل خیریه‌ها بی‌اطلاع هستند؟ ممکن است گفته شود گستره مسئولیت‌ها و دامنه فعالیت موسسات رسمی آن‌قدر زیاد است که مجالی برای رسیدگی به چنین مسائلی ندارند که البته پاسخ قابل قبولی است، اما قانع‌کننده نیست.

پاسخ احتمالی ذکر شده از باب وسعت وظایف، قابل قبول است ولیکن از دیدگاه منطق قانع‌کننده نیست، زیرا بالاخره این دستگاه‌ها، وظایف اجرایی خود را طبق قانون و آئین‌نامه‌های صادره از موسسات مرکزی انجام می‌دهند که احتمالاً در دستورالعمل‌های مذکور نحوه رسیدگی به چنین مواردی پیش‌بینی شده باشد.

تا آن‌جاکه نگارنده اطلاع دارد، موسسات خیریه رسمی تحت نظر ادارات ذیربط انجام وظیفه می کنند و گفته می‌شود کنترل شدیدی نیز بر فعالیت‌های آن‌ها اعمال می‌شود. لذا وقتی افراد ناشناس از طریق مذاکره موبایلی (که مشخص نیست شماره همراه فرد مخاطب را چگونه به دست آورده‌اند) تقاضای کمک نقدی می‌کنند، این تردید در افراد ایجاد می‌شود که شاید چنین اقداماتی با هماهنگی دستگاه متولی صورت گرفته باشد وگرنه افراد ناشناس نباید خودسرانه دست به چنین اقداماتی بزنند.

درنهایت از این واقعیت که توان‌خواهان ذهنی، جسمی و اجتماعی جامعه باید توسط سازمان‌ها و موسسات مربوطه نگهداری، معالجه و مراقبت شوند، گریزی نیست و همان‌طور که در یکی از پاراگراف‌های سطور بالا اشاره شد، این وظایف در حد مقدور انجام می‌شود. اما آن‌چه مسلم است به دلیل کثرت افراد تحت پوشش و کمبود بودجه و امکانات، آن‌چنان که باید و شاید رضایت‌بخش نیست و در چنین وضعیتی است که مسئولان سازمان‌های ذیربط باید ضمن هماهنگی با ائمه جماعات مساجد بزرگ شهرها و دعوت از خیرین، گزارشی جامع از تعداد توان‌خواهان، بودجه و امکانات موجود، کمبودها و مشکلات موسسه تحت مسئولیت خویش را منتشر نمایند و به گونه‌ای برنامه‌ریزی نمایند که تعدادی از نمازگزاران و اهالی محلی، کمک‌های نقدی را جمع آوری نموده و توسط هیئت امنای مساجد به حساب دستگاه مربوطه نزد بانک‌ها واریز نمایند. به اعتقاد نگارنده چنانچه طرح پیشنهادی امکان‌سنجی شده و عملیاتی گردد، نه تنها از بار تعهدات دولت کاسته خواهد شد، بلکه دستگاه متولی نگهداری توان‌خواهان هم می‌تواند با استفاده از منابع جمع‌آوری شده خدمات بهتر و بیشتری را به محرومان واقعی جامعه ارائه دهد.

ناخرسندی بازنشستگان آموزش و پرورش بوشهر از بیمه تکمیلی ملت

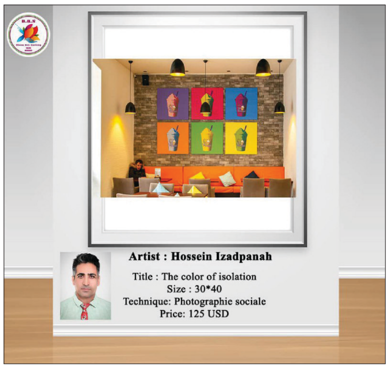
علی دباش ــ فرهنگی بازنشسته

بیمه درمان تکمیلی بازنشستگان کشوری در اوایل خرداد ماه ۱۴۰۳به بیمه ملت واگذار شد. انعقاد این قرارداد و تبلیغات پیرامون آن توسط مسئولین مبنی بر خدمات بهتر و پرداخت خسارت درمان در کمترین زمان، موجب شادمانی بازنشستگان کشوری ــ به ویژه آموزش و پرورش ــ شد، ولی این شادمانی دیری نپایید و بیمه تکمیلی ملت از همان ابتدا با تأخیر فراوان نسبت به پرداخت خسارت بیمه درمان اقدام کرده است. این‌طور که پیداست، گویا صندوق بازنشستگی کشوری که به موقع حق بیمه تکمیلی را از حقوق بازنشستگان کسر می کند، یا در پرداخت آن به بیمه ملت سهل‌انگاری می کند، یا ناتوان است و حق بیمه را در جای دیگری هزینه می کند.

ماده ۸۵ قانون مدیریت خدمات کشوری که اجرای آن سالیان متمادی یکی از مطالبات اصلی بازنشستگان است، بیان می کند که دستگاه‌های اجرایی مکلفند در چهارچوب بودجه‌های مصوب، کارمندان و بازنشستگان و افراد تحت تکفل آنان را علاوه براستفاده از بیمهٔ پایهٔ درمان، با مشارکت آنان به صورت هماهنگ و یکنواخت تحت پوشش بیمه‌های تکمیلی قرار دهند. عدم اجرای ماده ۸۵ و پرداخت نکردن به موقع خسارت بیمه تکمیلی درمان توسط بیمه ملت، موجب خشم و نارضایتی شدید بازنشستگان شده و روح و جسم بازنشستگان کشوری از بی‌توجهی مسئولین به درد آمده است.

شایسته است مسئولین محترم صندوق بازنشستگی و بیمهٔ ملت به این امر توجه ویژه نموده و بیش از این بر دردهای بازنشستگان کشوری ــ به ویژه بازنشستگان آموزش و پرورش ــ نیفزایند.

حضور اثر هنرمند بوشهری در فستیوال بین‌المللی هنرهای تجسمی ایران و هلند



فستیوال بین‌المللی ایران و هلند میزبان آثار هنرمندان ایرانی و غیر ایرانی در بخش هنرهای تجسمی است که به صورت آنلاین از طریق وبسایت موسسه Bloom Art Society هلند قابل بازدید می‌باشد

در بخش عکس اثری از حسین ایزدپناه هنرمند بوشهری نیز در این رویداد به نمایش درآمده است ایزدپناه در گفتگویی با ما ابراز داشت: اثر ارائه شده با عنوان رنگ انزوا (Colour of isolation) در ژانر اجتماعی که روایت‌گر تنهایی انسان ها در تنوع زیستی جامعه می‌باشد در این نمایشگاه مجازی حضور دارد

نمایشگاه بین المللی هنرهای تجسمی ایران و هلند با هدف همگرایی هنری انسان ها به صورت آنلاین از طریق وبسایت موسسه بلوم آرت هلند در حال اجرا می‌باشد

برنامه هفتم توسعه؛ فرصتی برای پیشرفت استان بوشهر

دکتر عباس علوی‌نژاد



مقدمه: برنامه ریزی از وظایف اصلی ومهم مدیران در سطوح عالی،میانی و پایه است.کشور ما سابقه‌حدود یک قرن برنامه ریزی برای توسعه دارد. قبل از انقلاب ۵ برنامه وبعد از آن هم تاکنون۷ برنامه تصویب واجرا شده که برنامه هفتم امسال ابلاغ گردید.

اولین برنامه مدت آن ۷سال بود و از ۱۳۲۷شروع شد و ششمین برنامه هم از۱۳۵۷تا۱۳۶۱بود که با وقوع انقلاب متوقف شد.

اولین برنامه توسعه بعد از پیروزی انقلاب از ۱۳۶۸تا۱۳۷۲بود و یک سال هم تمدید گردید و هدف عمده آن بازسازی وترمیم خرابی‌های ناشی از جنگ تحمیلی بود.

زمان اجرای برنامه ششم توسعه از ۱۳۹۶تا۱۴۰۰بود و دو سال هم تمدید شد.

برنامه‌هفتم توسعه برای ۱۴۰۳تا۱۴۰۷مصوب و ابلاغ شد و هدف عمده آن پیشرفت همراه باعدالت است.

در این نوشتار برخی ابعاد برنامه هفتم توسعه، تمایز آن با برنامه قبل و نقش استان ها در آن مطرح تا با اهتمام صاحب نظران تبیین و تکمیل شود.

۱-سیاست های کلی برنامه هفتم با ۱۲بند ناظر بر مسئله محوری و ساختار برنامه هم با برنامه قبلی متفاوت است.

این برنامه در۲۴فصل تنظیم و به مسایلی مثل رشد اقتصادی، مهار تورم، نظام مالیاتی، انرژی، توسعه مسکن، اصلاح نظام اداری و... پرداخته است.

برنامه ششم توسعه ۲۰ بخش داشت و بخش پنجم با عنوان توازن منطقه‌ای وتوسعه روستایی بود ولی این عنوان در برنامه هفتم وجود ندارد.

۲-در برنامه هفتم توسعه در فصل دوازدهم با عنوان اقتصاد دریا محور (ماده ۱۰۵)انتقال تصدی‌های قابل واگذاری به استان ها و شهرستان‌ها و همچنین یکپارچه‌سازی مدیریت شهری با انتقال وظایف اجرایی دستگاه‌ها به شهرداری‌ها را دارد که با پیشنهاد شورایعالی استان‌ها عملی می شود.

همچنین در تبصره‌ای دستگاه‌های اجرایی را به توانمندسازی بخش خصوصی وتعاونی برای مشارکت در ارائه خدمات مکلف نموده است.

بر اساس بند «پ» ماده مذکور دولت باید دفاتر شرکت‌ها را که دولتی هستند یا قسمتی از سهام آن‌ها از وجوه عمومی است از تهران به شهرستان محل کارخانه منتقل نماید. در صورت عدم انتقال در موعد تعیین شده مالیات بر عملکرد آن‌ها دو برابر خواهد شد.

اجرای این بند در استان بوشهر با وجود منطقه ویژه انرژی پارس (عسلویه) و برخی صنایع مهم به تقویت درآمد و بودجه استان کمک خواهد کرد.

۳-در فصل ۱۸برنامه هفتم با عنوان سیاست داخلی و ارتقای سلامت اجتماعی در جدول اهداف به بهبود شاخص سرمایه اجتماعی،کاهش جرم و جنایت،کاهش شیوع مواد مخدر،افزایش میزان معتادان بهبود یافته و افزایش توانمندسازی زنان آسیب دیده توجه شده است و وزارت کشور را مکلف کرده سالانه به مجلس گزارش ارسال نماید.

جلوگیری از توسعه حاشیه‌نشینی، مردمی‌سازی حل بحران‌ها، آسیب‌ها و چالش‌های محلات، هوشمندسازی‌پایش مرزهای زمینی، هوایی و دریایی، ایجاد امنیت پایدار در مناطق مرزی و جلوگیری از قاچاق مورد توجه قرار داده است. بخش اخیر با توجه به انتظارات مردم برای رونق بنادر، کمک به معیشت مرزنشینان و جذب گردشگر حائز اهمیت بیشتری است.



دراواخر دهه ۶۰ امتیاز مرزنشیان ۱۲سفر در سال بود که عملا امکان اجرا نداشت و مردم برای تجمیع فصلی(۳ماه امتیاز در یک سفر) درخواست داشتند ولی در سال‌های اخیر به یک تا دو نوبت مجوز و امتیاز سفر و کالای ملوانی محدود شد که در این تنگنای اقتصادی، افزایش تورم و قیمت ها، تجدید نظر در آن ضرورت دارد و باید هم‌زمان با توسعه اشتغال در عرصه های صنعتی،کشاورزی، شیلات وصیادی، دغدغه‌های معیشت ساحل‌نشینان ومرزداران غیور استان هم سامان یابد.

همچنین در برنامه هفتم به تشکیل اتحادیه شهرداری ها و عضویت نماینده شورایعالی استان ها در شورای عالی شهرسازی و سایر شوراهای مرتبط تکلیف شده است.

۴-در آذرماه ۱۴۰۱ دستورالعمل نحوه‌ی مشارکت استان ها در تدوین لایحه ابلاغ شد تا موضوعات کلیدی اولویت دار، راه‌کارهای کاربردی و احکام مرتبط را پیشنهاد دهند به نحوی که پیشران و بسترساز رفع چالش‌های اساسی استان ها باشد.

مطابق دستورالعمل مذکور باید سند توسعه برنامه هفتم استان تهیه و به تصویب شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان برسد.

۵-تجربه تلخی در برنامه‌های گذشته وجود دارد که تهیه وتصویب برنامه ها با زمان مسئولیت نمایندگان مجلس و دولت ها (با رویکردهای متفاوت سیاسی) هماهنگ نمی شد وچه بسا برنامه‌ای در دولت و مجلس قبل تهیه، تصویب وابلاغ ولی دولت و مجلس جدید یا آن را قبول نداشتند یا اهتمام جدی برای اجرای آن دیده نمی‌شد.

امید است با رویکرد وفاق که دراین دولت مورد توجه قرار گرفته، برنامه هفتم توسعه دچار آسیب‌های گذشته نشود و با همکاری مجلس در زمان مقرر و به شایستگی اجرا گردد.

آسیب بعدی که در گذشته بود و ناشی از تغییر دولت ها و استقرار مدیران جدید، اجرای برنامه ها را دچار وقفه و آسیب می کرد.

۶-عملکرد و درصد تحقق برنامه‌های ۵ساله گذشته بین ۳۰تا۴۰درصد بیشتر نبود و لازم است برای افزایش درصد موفقیت این برنامه در سطوح ملی، دستگاهی و استانی اهتمام جمعی بیشتر به عمل آید.

البته برای اجرای برنامه آیین‌نامه‌های متعددی پیش‌بینی شده که باید تهیه و ابلاغ شود و در شرایط تغییرات مدیریتی زمان‌بر هست و نباید از آن غفلت شود.

نتیجه گیری:

با توجه به تجربه ۷برنامه توسعه بعد از انقلاب که بر اساس سیاست های کلی، چشم انداز ۲۰ ساله و سایر قوانین بالادستی تهیه و اجرا شده ویا در دست اجراست باید همه قوا، دستگاه‌ها و سطوح مدیریتی برای حل مسائل اساسی کشور که در ۲۴ فصل برنامه تدوین شده به توافق برسند و از اختلاف نظرهای سیاسی که باعث اختلال در عملکرد و موفقیت دولت می‌شود، پرهیز کنند و با رویکرد توافق براساس محوریت عدالت در پیشرفت اقتصادی، ناترازی‌ها را برطرف و به مناطق مرزی و محروم که ظرفیت بلااستفاده زیادی هم دارند در همه فصول برنامه با همکاری دستگاه‌های اجرایی ملی و استانی مرتبط، بیشتر توجه شود و همزمان با برنامه سفر رئیس‌جمهور محترم که با رویکرد اولویت به استان های مرزی و محروم در دستور کار است، به طرح های عمده‌ای مثل توسعه و رونق بیشتر بنادر استان بوشهر، تسریع در اجرای راه آهن بوشهر به شیراز،تکمیل بزرگراه‌های درون و برون استان، بهبود وضعیت جاده‌های مرزی، تعامل بیشتر صنایع نفت،گاز وپتروشیمی و منطقه آزاد با مدیریت استان و ایفای وظایف اجتماعی خود در قبال مردم ، تأمین آب شرب با اولویت توسعه آب شیرین کن‌ها و تأمین برق وکاهش قیمت آن باتوجه به ضرورت استفاده بیشتر در گرمای جنوب، توجه به ارتقای خدمات آموزشی، بهداشتی و درمانی، تقویت ظرفیت گردشگری، ،توسعه صنعت و کشاورزی (نخیلات، صیفی جات خارج از فصل مثل گوجه فرنگی، صیادی و آبزی پروری) ارتقای بخش خدمات، فعال شدن منطقه آزاد و ادغام منطقه ویژه در آن و استفاده از ظرفیت برنامه هفتم توسعه با تدوین برنامه‌های کاربردی وموثر برای توسعه متوازن استان و در نهایت جلب رضایت مردم،گام های مهمی برداشته شود.

چشم‌انداز توسعه بوشهر؛ پلی به آینده یا رویایی بر روی کاغذ؟

محی‌الدین حسینی‌مقدم



سند چشم‌انداز توسعه استان بوشهر در افق ۱۴۰۴، با آرمان‌های بلندپروازانه، همچون پلی میان امروز و آینده، سرشار از واژگان زیبا و پرطمطراق و آرزوهای بزرگ است. از توسعه دانش‌محور و زیرساخت‌های مدرن گرفته تا تبدیل‌شدن به قطب اقتصادی کشور در حوزه نفت، گاز، پتروشیمی و آبزی‌پروری، این سند صرفا یک خیال کاغذی و بیشتر شبیه یک فهرست آرزوهاست تا برنامه‌های اجرایی.

گویی این سند تصویر استانی را ترسیم می‌کند که در آن، توسعه متوازن، دانش‌محور و پایدار به نقطه اوج خود رسیده است. اما پرسش کلیدی اینجاست: آیا این پل به آینده‌ای روشن می‌رسد، یا صرفاً خیالی است که روی کاغذ باقی خواهد ماند؟

واقعیت تلخ این است که باوجود گذشت سال‌ها از تدوین این سند، بوشهر نه‌تنها به افق‌های ترسیم‌شده نزدیک نشده، بلکه در بسیاری از حوزه‌ها همچنان درجا می‌زند. در حالی که ۱۴۰۴ در آستانه رسیدن است، استان همچنان با چالش‌های بنیادین دست‌وپنجه نرم می‌کند. این وضعیت، ما را وادار می‌کند تا با نگاهی انتقادی، فاصله عمیق میان وعده و عمل را بررسی کنیم.

۱۴۰۴ نزدیک است؛ بوشهر هنوز در خواب توسعه

سند چشم‌انداز، بوشهر را استانی توسعه‌یافته، دانش‌محور و متوازن تصویر کرده است؛ استانی که نه‌تنها در حوزه اقتصاد و فناوری، بلکه در شاخص‌های اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی نیز در سطحی ایده‌آل قرار دارد. اما آیا این تصویر بلندپروازانه، با واقعیت‌های جاری استان همخوانی دارد؟ مرور عملکرد سال‌های اخیر نشان می‌دهد که بوشهر، به‌جای حرکت در مسیر پیشرفت، در بسیاری از بخش‌ها همچنان با چالش‌های اساسی روبه‌رو است.

۱. نفت و گاز: فرصت‌های طلایی که خاک می‌خورند

یکی از ستون‌های اصلی سند چشم‌انداز، تبدیل بوشهر به قطب اقتصادی کشور با محوریت نفت، گاز و پتروشیمی است. اما این بخش، به‌جای آن که موتور محرک توسعه باشد، به منبعی برای وابستگی و خام‌فروشی تبدیل شده است. ظرفیت عظیم منابع انرژی در استان، به‌دلیل نبود سرمایه‌گذاری در فناوری‌های پیشرفته و تکمیل زنجیره ارزش، هنوز به بهره‌وری واقعی نرسیده است.

۲. گردشگری: گنجی که خاک می‌خورد

گردشگری، یکی دیگر از ارکان این سند است. استان بوشهر، با سواحل چشم‌نواز، جاذبه‌های تاریخی و فرهنگی و دسترسی به خلیج فارس، پتانسیل بالایی برای تبدیل‌شدن به مقصد گردشگری دارد. اما نبود زیرساخت‌های مناسب، ضعف در بازاریابی و برنامه‌ریزی نادرست، این بخش را در سایه بی‌توجهی فرو برده است.

۳. مدیریت کارآمد: حلقه مفقوده توسعه

چشم‌انداز ۱۴۰۴، مدیریت کارآمد را به‌عنوان یکی از پیش‌نیازهای اصلی توسعه استان مطرح کرده است. اما مدیریت کنونی، به‌جای حرکت در مسیر توسعه، گرفتار روزمرگی، تصمیم‌گیری‌های مقطعی و فقدان برنامه‌ریزی بلندمدت است. پروژه‌های نیمه‌تمام، تخصیص ناکارآمد منابع و عدم شفافیت در عملکرد، از جمله موانع اصلی پیشرفت استان هستند.

۴. جامعه نوآور و کارآفرین: رؤیایی که رنگ واقعیت نگرفت

سند چشم‌انداز، بر لزوم پرورش جامعه‌ای خلاق و کارآفرین تأکید دارد. اما در عمل، استان بوشهر با بحران بیکاری جوانان تحصیل کرده و مهاجرت نخبگان مواجه است. فقدان ارتباط مؤثر میان دانشگاه‌ها و صنایع، و نبود حمایت از استارت‌آپ‌ها و شرکت‌های دانش‌بنیان، این هدف را به رؤیایی دوردست تبدیل کرده است.

۵. محیط‌زیست: قربانی توسعه‌نیافتگی

یکی دیگر از وعده‌های سند، برخورداری از محیط‌زیستی مطلوب است. اما تخریب زیستگاه‌های آبزیان، آلودگی ناشی از صنایع نفت و گاز، و مدیریت ناکارآمد پسماندها، تصویر استان را از یک محیط زیست ایده‌آل دور ساخته است.

چرا چشم‌انداز بوشهر روی کاغذ باقی مانده است؟

سند چشم‌انداز، در ظاهر نقشه‌ای جامع و کامل است. اما چرا این اهداف بلندپروازانه، هنوز به مرحله اجرا نرسیده‌اند؟ پاسخ این پرسش را باید در چند عامل جست‌وجو کرد:

۱.فقدان اراده سیاسی و مدیریتی: تحقق اهداف سند، نیازمند اراده‌ای جدی در سطح مدیریت استان و کشور است. اما به‌نظر می‌رسد که بسیاری از مسئولان، به‌جای تمرکز بر اجرای برنامه‌های کلان، به روزمرگی و تصمیم‌گیری‌های کوتاه‌مدت مشغول‌اند.

۲.کمبود سرمایه‌گذاری: جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی، یکی از پیش‌نیازهای اصلی توسعه است. اما نبود زیرساخت‌های مناسب، ضعف در جذب سرمایه‌گذاران و عدم شفافیت در قوانین، مانعی جدی بر سر راه تحقق چشم‌انداز است.

۳. نبود نظارت مؤثر: یکی دیگر از چالش‌ها، فقدان نظارت کافی بر عملکرد دستگاه‌های اجرایی است.



بسیاری از پروژه‌های عمرانی و توسعه‌ای، به‌دلیل نبود نظارت و شفافیت، یا نیمه‌تمام مانده‌اند یا به‌طور کامل متوقف شده‌اند.

۴.حرکت لاک‌پشتی در اجرای برنامه‌ها: سرعت اجرای برنامه‌های توسعه‌ای در استان، به‌قدری کند است که تحقق اهداف سند تا سال ۱۴۰۴، عملاً غیرممکن به‌نظر می‌رسد.

نتیجه‌گیری: از رؤیا تا واقعیت

۱۴۰۴ نزدیک است، اما بوشهر هنوز در خواب توسعه به‌سر می‌برد. سند چشم‌انداز، به‌جای آن که نقشه‌ای عملیاتی برای پیشرفت باشد، بیشتر به فهرستی از آرزوهای زیبا شباهت دارد. اگر روند کنونی ادامه یابد، این سند نیز مانند بسیاری از برنامه‌های توسعه‌ای دیگر، به سندی پرزرق‌وبرق اما خالی از تحقق تبدیل خواهد شد.

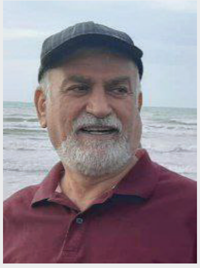
اکنون، وقت آن رسیده است که به‌جای رؤیاپردازی، با نگاهی واقع‌بینانه به چالش‌ها و اولویت‌ها، مسیر توسعه استان را بازنگری کنیم. بوشهر، با ظرفیت‌های بی‌نظیری که در اختیار دارد، می‌تواند به آینده‌ای روشن دست یابد. اما این امر، تنها زمانی ممکن است که اراده‌ای جدی، سرمایه‌گذاری کافی و برنامه‌ریزی عملیاتی جای شعارهای توخالی را بگیرد.

در نهایت، اگر اراده جدی و برنامه‌ریزی عملیاتی جایگزین شعارهای توخالی نشود، چشم‌انداز ۱۴۰۴ بوشهر چیزی جز سندی که در گرداب شعارها غرق شد، نخواهد بود.

قصه کوتاه

نامرد!

ابراهیم هوشیار



امروز حاج خانم خیلی آرام بود. از وقتی پدرم مرده بود، همیشه بدخلقی می‌کرد و دلتنگ بود، مادام بهانه می‌گرفت و قرار نداشت. پنجشنبه بود، مادر مثل هر پنجشنبه آبگوشتی بار گذاشته بود. بوی خوش آبگوشت تا هفت کوچه پیچیده بود. در پخت آبگوشت استاد بود، میزان گوشت و دنبه، حبوبات و سیب زمینی را با مقیاس نانو محاسبه می‌کرد و فرمول آبگوشتش محرمانه بود. چه کیفی می‌کردیم ما بچه ها، روزی که آبگوشت داشتیم و ثانیه شماری می‌کردیم تا مادر ما را صدا کند که نهار آماده است. پدرم می‌گفت ، مادر شما اگر هزار گناه هم کرده باشد ، همین پخت آبگوشت او را از پل صراط رد می‌کند.

یک ساعتی به ظهر مانده بود، مادر مرا که حالا بزرگ شده و تشکیل خانواده داده بودم، صدا زد و گفت: میدونی چند وقته سر قبر آغات نرفته ایم؟

من و همسرم که با مادرم زندگی می‌کردیم، تمام هم و غم‌مان این بود که موجب ناراحتی مادر نشویم، گفتم، بله مادر جان، می‌دانم، امشب شب جمعه است و بعد از ناهار به قبرستان می رویم.

گفت: نه ، الان می‌رویم.

گفتم: مادر جان، آبگوشت به این خوش بوئی و زحمتی که از صبح تا حالا کشیده ای حیف است پامال شود. گفت: نه همین الان.

پذیرفتم و با چشمکی به همسرم به او نیز قبولاندم مخالفت نکند. چادرش را برداشت، زیر آبگوشت را خاموش کرد و رفت به سمت در حیاط و منتظر ما ایستاد. ما نیز به سرعت لباس پوشیدیم، سوار ماشین شدیم و به سمت قبرستان حرکت کردیم. حاج خانم در طول راه ساکت بود و حرفی نمی‌زد. به قبرستان رسیدیم، ماشین را در گوشه‌ای پارک کردیم و به سمت قبر پدر رفتیم. با کمال تعجب دیدیم قبر حاج آقا آب و جارو شده و تمیز در انتظار ماست، حتی چند شاخه گل نیز برروی قبر گذاشته بودند.

حاج خانم سر بلند کرد و به من نگاه کرد که یعنی چه؟

من هم با تکان دادن سر گفتم نمی‌دانم، تعجب حاج خانم تمام نشد تا به قبر رسیدیم و مادر با گذاشتن انگشت بر سنگ قبر شروع به خواندن فاتحه کرد، لیکن آرام نداشت و مرتب به دور و بر نگاه می کرد.

دختر جوانی به سمت ما آمد، سینی خرما در دست و به همه ما تعارف کرد. خدابیامرزی گفت و رفت.

مادر قد و بالای دختر را بر انداز کرد و دوباره سرش به سمت قبر به زیر انداخت. بعد از خواندن ذکر و دعا سرش را بلند کرد و با چشم زاویه سیصد و شصت درجه‌ای اطراف را وارسی کرد. کل قبرستان را رصد می‌کرد و هیچ نمی‌گفت. قدری که گذشت عقب نشست و به من نگاه کرد، نگاهی پرسشی و معنی‌دار، من به روی خودم نمی‌آوردم و نگاهش می‌کردم، همسرم نیز کناری نشسته بود و به حرکات بی‌گفتار ما نگاه می‌کرد. یک‌باره حاج خانم گفت: فکر می‌کنی کی اینجا را آب و جارو کرده؟

گفتم: نمی‌دانم، حتما یه آدم خوب، لطف کرده و اینکار را کرده.

گفت: نه ، بلند شو پرس وجو کن ببین کی بوده.

از روی ناچاری بلند شدم و به همه کسانی که بر سر قبر بستگان‌شان نشسته بودند سر زدم و سئوال کردم، همه گفتند قبر ما نیز امروز آب پاشی شده و برروی آن گل گذاشته بودند.

به پیرمردی رسیدم تنها، سر قبری ساکت و آرام نشسته و در فکر بود. گفتم: پدر جان شما نمی‌دانید امروز چه کسی این قبرها را آب و جارو کرده و گل برروی سنگ قبرها گذاشته؟

گفت: چرا پسرم، آن دختر خانم که خرما خیرات می‌کند. او هر ماه از شهرستان می‌آید و بر سر قبر مادرش و همه قبرهای اطراف را می‌شوید و گل می‌گذارد.

دیدم آن دختر خانم همان‌ست که آمد و خرما تعارف کرد. خوشحال از این‌که مسبب این حرکت خیر را به حاج خانم معرفی می‌کنم به نزد مادر برگشتم و شرح تحقیقات را گفتم. نگاهی بمن کرد، سرش را بلند کرد و جستجوگرانه به هر سو نگاه کرد تا دختر را در حال تعارف خرما بر سر یکی از قبرها دید. نگاهی به سر تا پای من انداخت و گفت: نمی‌دانستم پدرت دختری به این بزرگی دارد. من متعجب و وامانده به مادر نگاه کردم و گفتم: این دختر از شهرستان آمده و هر ماه به قبر مادرش سرمی‌زند.

حاج خانم ساکت شد و هیچ نگفت، ولی چشم از دختر بر نمی‌داشت. حاج خانم با قیافه‌ای که به نظر می‌رسید به یقین رسیده، آرام از سر قبر بلند شد، چادرش را بر سرش کشید و گفت: برویم آبگوشت‌مان را بخوریم. ما هم خرسند از به پایان رسیدن این ماجرا و رضایت مادر، سوار ماشین شدیم و به سمت منزل حرکت کردیم. به منزل رسیدیم، در حال پیاده شدن از ماشین بودم که مادر گفت: من احمق را بگو، بابات دختر به این بزرگی داشته و من نمی‌دانستم.

مدیر تولید صدای مرکز بوشهر آسمانی شد



حمید قائدپوری مدیر تولید صدای، صدا و سیمای مرکز بوشهر براثر ایست قلبی آسمانی شد.

زنده یاد قائد پوری از تهیه کنندگان با تجربه صدا و سیمای مرکز بوشهر بود.

وی تهیه‌کننده برنامه‌های سی مو سی تو، سلام بوشهر، خانواده و ورزش و دیگر برنامه‌های پرشنونده رادیو بوشهر بود.

زنده یاد قائدپوری از سال ۱۳۷۹ در صدا و سیمای مرکز بوشهر فعالیت حرفه‌ای خود را آغاز کرده بود.

قائدپوری متولد۱۳۵۳ است و علی ۱۴ ساله از زنده یاد به یادگار مانده است.

نسیم جنوب درگذشت شادروان حمید قائدپوری را به جامعه رسانه‌ای استان، همکاران ایشان در صدا و سیما و خانواده داغدار ایشان تسلیت می گوید.

هنرهای تجسمی در بوشهر؛ فرزندی که در سکوت رها شده است

سعیده حسنی



هنرهای تجسمی در بوشهر همچون کودکی است که میان شلوغی شهرها گم شده، بی‌آن‌که دستی برای نوازشش دراز شود یا نگاهی مهربان بر او بیفتد. این هنر، با ریشه‌هایی در خاک زرخیز فرهنگ و تاریخ بوشهر، سال‌هاست که در انتظار فرصتی برای نفس کشیدن در فضای بی‌مهر این شهر به سر می‌برد.

بوشهر، این دیار آفتاب و دریا، سرزمینی که در هر موج و نسیمش داستانی برای گفتن نهفته است، چگونه می‌تواند هنرهای تجسمی را که زبان گویای هویت و زیبایی‌اش است، این‌چنین به فراموشی بسپارد؟ هنرمندان این عرصه، با دستانی که از جنس رویا و دل‌هایی پر از شور، تلاش می‌کنند تا تصویرگر روح این شهر باشند، اما گویی صدای قلم‌های‌شان در هیاهوی بی‌توجهی‌ها گم شده است.

چرا هنرهای تجسمی در بوشهر، این خاک مقدس هنر و فرهنگ، باید در انزوا و بی‌مهری رنج بکشد؟ چرا وقتی این هنر می‌تواند آینه‌ای باشد برای بازتاب شکوه گذشته و رویاهای آینده، همچنان چون فرزند سرراهی، مهجور و بی‌سرپناه باقی مانده است؟

زمان آن رسیده است که نگاه‌های سرد و بی‌تفاوت را کنار بگذاریم. هنرهای تجسمی بوشهر به عشق، حمایت و فضایی برای بالیدن نیاز دارد. شاید اگر دست‌های ما، دست‌های گرم مردم و مسئولان، به یاری این هنر برخیزد، بتواند بار دیگر روح شهر را با رنگ و نقش زندگی ببخشد. بوشهر، دیاری است که شایسته دیدن شکوفایی این هنر ناب است.

واکاوی دلایل ناکامی نیروهای محلی بوشهر در جنگ جهانی اول (۳)

بریتانیا و پراکندگی نیروهای مقاومت جنوب

دکتر حمید اسدپور



بریتانیا و پراکندگی نیروهای پایداری جنوب

یکی از عوامل مهم در پراکندگی مواضع نیروهای پایداری و مقاومت جنوب در برابر بیگانگان، نقش و توطئه‌های دولت بریتانیاست.

در این زمان بریتانیا ضمن حمایت از برخی از روسای محلی زمینه‌ساز اختلاف بین آن‌ها شده بود. چنان‌که اشاره شد روسای محلی در کرانه‌ها و پس کرانه‌های خلیج‌فارس در بوشهر به دو گروه روسای محلی شمال و جنوب تقسیم شده بودند. در این دوره بیشتر روسای محلی در شمال بوشهر ضمن همراهی با انگلیس به ایجاد اختلاف در صفوف نیروهای مقاومت و حتی جنگ با آنان پرداختند. البته انگلیسی‌ها در نیروها و روسای محلی جنوب نیز رخنه کرده بودند. همراهی برخی از این روسا با انگلستان به صورتی بود که کنسول بریتانیا در بوشهر آنان را دوستان انگلیس خطاب کرده است. (او کانر، ۱۳۷۶: ۱۰۲-۱۰۳)

یکی از این اقدامات که سبب اختلاف شدید در نیروهای پایداری شد، تلاش روسای محلی در شمال بوشهر جهت دستگیری واسموس، کنسول آلمان در بوشهر و مخالفت با فعالیت آلمانی‌ها بود. به دلیل همراهی و وابستگی این سران محلی با انگلیسی‌ها بود که واسموس و همراهانش در اطراف بندر ریگ مورد قرار گرفت و بسیاری از اسباب و وسایل وی ضبط شد ولی خود واسموس موفق به فرار به سمت برازجان گردید.(اسناد وزارت داخله، ۱۳۶۹:۱۱۴)

این روسای محلی جهت توجیه اقدامات خود اعلام کردند که تلاش آن‌ها برای دستگیری واسموس از آن جهت بود که میرزا احمدخان برازجانی، شیخ حسین چاه کوتاهی و نورمحمد دالکی قصد داشتند با حمایت واسموس به بوشهر حمله کنند. همچنین عنوان داشته‌اند که« اسباب و لوازم حرب جمع کرده‌اند و در معیت واسموس نام جرمنی فتنه و فساد را فراهم می‌آورند».(همان، ۱۳۵)

واسموس نیز با ارسال تلگرافی به وزارت داخله، نقش یک خان محلی در حمله به او و اطرافیانش و همچنین نقش انگلیس در دستگیری کنسول و وکیل تجارتخانه آلمان در بوشهر یعنی لیسترمان را یادآوری کرده است.(اسناد وزارت داخله، ۱۳۶۹: ۱۱۴ و سفیری، ۵۱:۱۳۶۲) در این مقطع حساس تاریخی، حکمران بنادر جنوب نیز به نوعی با انگلیسی‌ها همراهی نموده است و طی تلگرافی به وزارت داخله، زایرخضرخان تنگستانی و شیخ حسین چاهکوتاهی را عامل ناامنی معرفی کرده است که با ارسال اعلامیه‌هایی به بوشهر باعث وحشت مردم شده‌اند و واسموس را عامل اصلی این تحریکات معرفی کرده است.(اسناد ایران در جنگ جهانی اول، ۱۳۷۰ : ۱۳۱-۱۳۲)

این اقدامات انگلیسی‌ها به همراه روسای محلی، در واقع نقض کامل حاکمیت ایران بود که مأموران سیاسی کشور دیگر در ایران، خودسرانه توسط کشور دیگری دستگیر شدند. دستگیری لیسترمان از مأموران سیاسی آلمان در بوشهر توسط انگلیسی‌ها حتی مورد اعتراض مخبرالسلطنه قرار گرفت. وی ضمن اعلام نارضایتی خود به انگلیسی‌ها هشدار داد که «آن‌ها به احوال مردم گرسنه آگاه هستند که در دفاع از وطن خود از دولت‌های خارجی واهمه ندارند پس کاری نکنند که به رگ تعصب این مردم بربخورد». (احرار، ۱۳۵۲: ۱۷۹) دخالت انگلیسی‌ها در اوضاع ایران و نقض بی‌طرفی ایران به شکلی تداوم یافت که حتی پس از فرار واسموس به سمت شیراز و سپس بازگشت وی به تنگستان، بیش از سی‌هزار نیروی نظامی انگلیسی در بوشهر استقرار یافتند. آن‌ها ضمن

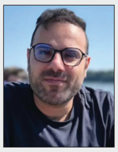


ورود این نیروها، «امکانات حربی و لوازم مقتضیه نیز به ساحل ایران وارد ساختند و لشکرگاه خود را در بهمنی که یک فرسخ جنوب بوشهر است معین نمودند. هم چنین قوای دفاعیه و توپخانه به اندازه لزوم تهیه کردند و در شش ماه تلگراف بی‌سیم و چراغ های برقی دریایی برای هدایت کشتی‌ها در لنگرگاه بوشهر ایجاد کردند. (سعادت، ۱۳۹۰ : ۲۰۵-۲۰۴)

یکی از نمونه‌های مهم در اختلاف‌افکنی میان روسای محلی جنوب که توسط انگلستان در این دوره صورت گرفته است گسترش اختلافات میان اسماعیل‌خان شبانکاره‌ای و غضنفرالسلطنه است. غضنفرالسلطنه به عنوان حاکم برازجان از مخالفان دولت انگلیس بود. پس انگلیسی‌ها ضمن ایجاد اختلاف، سعی در حمایت از اسماعیل خان شبانکاره‌ای داشتند که به نوعی در گروه روسای محلی منطقه شمال بوشهر قرار گرفته بود و ضمن نزدیکی با خوزستان رابطه بیشتری با انگلیس و مشایخ عرب داشت. در این زمان تنگستانی‌ها نیز جانب مردم برازجان را داشتند و امکان داشت جنگ خونین و گسترده‌ای در دشتستان صورت گیرد.(اسناد وزارت داخله، ۱۳۶۹: ۱۴۰) تلگراف‌های متعدد ژاندارمری به وزارت داخله، حکایت از آن دارد که حکمران بوشهر نیز ضمن همراهی با انگلیسی‌هایک عراده توپ را به منطقه سعدآباد جهت حمایت از اسماعیل‌خان‌شبانکاره‌ای برای حمله به برازجان ارسال کرده بود.(همان، ۱۴۰- ۱۴۱) همچنین شیخ‌خزعل ملقب به سردار ارفع که ارتباط نزدیکی با انگلیسی‌ها داشت، ششصد را نفر را از خرمشهر به کمک اسماعیل‌خان شبانکاره‌ای فرستاد که با مخالفت‌های حاکم فارس روبه‌رو شد. حاکم فارس خواست که هر چه سریع‌تر این اعراب به محدوده منطقه خوزستان بازگردند.(همان، ۱۴۲- ۱۴۳)

از نمونه‌های دیگر این مساله، ارسال پول و اسلحه توسط انگلیس برای برخی از کدخدایان دشتی بود که تا پیش از آن، حامی مخالفان انگلیس بودند. انگلیسی‌ها، آن‌ها را تطمیع نمود تا علیه نیروهای مقاومت به همراهی با این قدرت استعماری اقدام کنند. (فرامرزی، ۴۳:۱۳۷۷) برخی از سران و روسای محلی ضمن همراهی با انگلیس به رخنه در صفوف نیروهای مقاومت و پایداری اقدام می‌نمودند.(همان، ۶۱) اکثر این روسا نیز در نبرد علیه نیروهای مقاومت مانند شیخ حسین چاه‌کوتاهی و زایرخضرخان اهرمی و قتل آن‌ها شرکت نمودند.(فراشبندی،۱۰۷:۱۳۶۲) در این زمان برخی از روسای تنگستان و چغادک نیز در صفوف حامیان انگلیس قرار گرفتند و پس از شکست برخی از مخالفان انگلیس مانند زایرخضرخان، اقدام به تصرف اموال او کردند. یکی از خوانین غارت اموال شیخ‌حسین چاه‌کوتاهی را در دستور کار خود قرار داده بودند.(فرامرزی،۱۳۷۷ :۶۴-۶۱ و۷۵-۷۴) در دشتی نیزیکی از خوانین، خورموج را به تصرف درآورد و به دستگیری مخالفان اقدام کرد. (همان، ۷۸)

تاریخچه تحوّل گردشگری



محمد هاشم‌زاده

در این مطلب نگاهی به تاریخچه گردشگری در سه برهه زمانی یعنی از دیرباز تا انقلاب صنعتی، از انقلاب صنعتی تا جنگ جهانی دوم و پس از جنگ جهانی دوم تا امروز خواهیم داشت.

در قرون گذشته، سفر کردن به دلیل شرایط اجتماعی، اقتصادی و فن‌آوری آن زمان به مراتب دشوارتر، خطرناکتر و طولانی‌تر از امروز بوده است. انگیزه‌ها و روش‌های سفر در این دوره‌ها تنوع داشتند و بسته به زمان و مکان متفاوت بودند. در یونان و روم باستان، سفرها بیشتر به دلایل تجاری، نظامی، سیاسی و مذهبی انجام می‌شد. فلاسفه، محققان و بازرگانان اغلب برای کسب دانش یا تجارت به شهرها و کشورهای دیگر سفر می‌کردند. همچنین، زیارتگاه‌ها و معابد مذهبی نیز مقاصد مهم سفر بودند. در دوران قرون وسطی، زیارت‌های مذهبی به مقصد مکان‌های مقدس مانند اورشلیم، رُم، و سانتیاگو دکامپوستلا (مرکز منطقه خودمختار گالیسیا در استان لاکرونیا در اسپانیا) بسیار رایج بود. افراد از طبقات مختلف اجتماعی سفر می‌کردند تا برای خود یا خانواده‌شان دعا کنند یا گناهانشان بخشیده شود. بازرگانان نیز به منظور تجارت کالاهای لوکس مانند ابریشم، ادویه‌ها و جواهرات سفر می‌کردند. جاده ابریشم یکی از مهم‌ترین مسیرهای تجاری بود که شرق و غرب را به هم متصل می‌کرد.

در اواخر قرون وسطی، کاوشگران اروپایی مانند مارکوپولو به مناطق دوردست سفر کردند. سفرهای آنها اغلب سال‌ها به طول می‌انجامید و پر از خطرات ناشناخته بود. جنگجویان و شوالیه‌ها نیز در این دوران به دلایل نظامی و برای جنگ‌های صلیبی به سرزمین‌های دوردست سفر می‌کردند. در دوران رنسانس در قرن ۱۵ و ۱۶، انگیزه‌های جدیدی برای سفر پدیدار شد. در این دوره، بسیاری از اروپایی‌ها به کاوش در قاره‌های جدید، مانند آمریکا و آفریقا، پرداختند. کاشفانی چون کریستف کلمب، واسکو دو گاما، و ماژلان به سفرهای دریایی بلندمدت و پرخطر رفتند تا سرزمین‌های جدیدی را کشف کنند و مسیرهای تجاری تازه‌ای بیابند، که آغازگر عصر نوین استعمارگری بود که تأثیرات گسترده‌ای بر تاریخ جهان و به ویژه بر جوامع بومی داشت. این دوره همچنین با شکوفایی علم و هنر همراه بود و برخی دانشمندان و هنرمندان به منظور تحقیق، آموزش یا یادگیری از دیگر فرهنگ‌ها به سفر می‌رفتند. در دوران مدرن اولیه در قرون ۱۷ و ۱۸، سفرهای دیپلماتیک و علمی به دلایل سیاسی و فرهنگی رایج‌تر شد. پادشاهان و دولت‌ها نمایندگان خود را به کشورهای دیگر می‌فرستادند تا روابط دیپلماتیک و تجاری برقرار کنند. دانشمندان نیز برای تبادل دانش و تحقیق به دانشگاه‌ها و محافل علمی دیگر کشورها سفر می‌کردند. همچنین در قرون ۱۷ و ۱۸، «گراند تور» (به معنای: سفر بزرگ) در میان اشراف اروپایی، به ویژه جوانان، رواج یافت که با همراهی یک یا چند راهنما (و اگر ثروتمند بودند، یک یا چند خدمتکار) برای تکمیل تحصیلات و افزایش آگاهی فرهنگی به ایتالیا، فرانسه، سوییس، هلند، اتریش و دیگر کشورهای اروپایی سفر می‌کردند و بسته به توان مالی و جسمی، بین چند ماه تا چند سال طول می‌کشید. این سفرها فرصتی برای تجربه‌ی هنر، معماری و فرهنگ‌های مختلف و نیز برقراری روابط اجتماعی با اشراف و نخبگان آن کشورها بود.

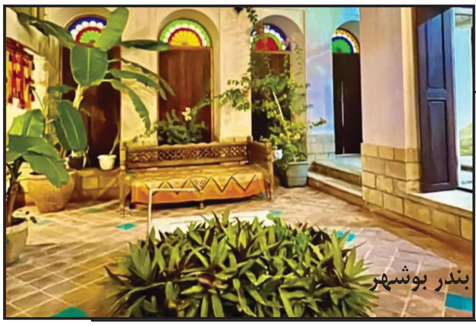
نکته مهم تا قبل از انقلاب صنعتی، مشکلات و چالش‌های آن، اعم از دشواری (سرعت پایین)، هزینه و خطرات آن بود. برای نمونه، سفرهای دریایی با طوفان‌ها، دزدان دریایی و بیماری‌ها مواجه می‌شد. در خشکی نیز خطرات زیادی از جمله حملات راهزنان، کمبود غذا و آب، و نبود امکانات بهداشتی وجود داشت. همچنین، مسافرت با کالسکه، اسب یا با پای پیاده زمان زیادی می‌برد و بسیاری از مسیرها فاقد جاده‌های مناسب و زیرساخت‌های لازم بودند، که این باعث می‌شد که سفرها بسیار پرهزینه، طولانی، طاقت‌فرسا خطرناک یا گاهی مرگبار باشند، که گردشگری را تنها برای اشراف ممکن می‌ساخت، که حتی برای آنان نیز چندان ساده و بی‌خطر نبود.

آغاز گردشگری به عنوان یک صنعت مدرن با ظهور تحولات صنعتی و تکنولوژیکی در قرن ۱۹ شکل گرفت. عوامل متعددی در این فرآیند نقش داشتند که به برخی از این اختراعات و تغییرات خواهیم پرداخت. «انقلاب صنعتی» (اواخر قرن ۱۸ و اوایل قرن ۱۹) در بریتانیا و دیگر کشورهای اروپایی باعث تحولات عظیمی در صنعت و حمل‌ونقل شد. افزایش تولید اقتصادی و رشد طبقه متوسط با درآمد بیشتر، امکان صرف هزینه برای فعالیت‌های تفریحی، از جمله سفر را فراهم کرد. «اختراع قطار و راه‌آهن» در سال ۱۸۲۵یکی از مهم‌ترین عوامل توسعه گردش‌گری به شمار می‌آید. در سال ۱۸۲۵، اولین خط راه‌آهن عمومی بین استاکتون و دارلینگتون در انگلستان افتتاح شد و در سال ۱۸۳۰، خط راه‌آهن بین لیورپول و منچستر به بهره‌برداری رسید. این رویدادها زمینه‌ساز افزایش سریع سفرهای توریستی داخلی و بین‌المللی شد و تا اواسط قرن ۱۹، قطار، وسیله‌ای سریع و ارزان برای جابه‌جایی مسافران برای سفرهای طولانی و بین‌شهری برای طبقه متوسط فراهم کرد. پیش از اختراع «کشتی‌های بخار»، سفرهای دریایی بسیار طولانی و پرمخاطره بودند. با اختراع کشتی بخار، سفرهای دریایی به مراتب کوتاه‌تر و ایمن‌تر شدند. رابرت فولتن، مهندس آمریکایی، که در سال ۱۸۰۰ توسط ناپلئون بناپارت به کار طراحی نخستین زیردریایی کاری بنام ناتیلیوس گمارده شده بود، توانست در سال ۱۸۰۷ اولین سفر موفق با کشتی بخار خود به نام کِلِرمونت بین شهر نیویورک و شهر آلبانی (پایتخت ایالت نیویورک) در رودخانه هادسون را انجام دهد. کشتی کلرمونت توانست این مسیر حدود ۲۴۰ کیلومتری را طی ۳۲ ساعت بپیماید، که در زمان خود یک موفقیت چشمگیر در برابر زمان ۴ تا ۶ روزه (۱۰۰ تا ۱۴۰ ساعت) کشتی‌های بادبانی محسوب می‌شد، که زمان سفر را ۳ تا ۴ برابر کاهش میداد. با گذشت زمان، این نوع کشتی‌ها برای سفرهای طولانی، به ویژه در ارتباطات میان اروپا و آمریکا و همچنین مستعمرات اروپایی در سراسر جهان بیشتر به کار گرفته شدند. ظهور «آژانس‌های گردشگری» نیز از نقاط عطف گردشگری بود. توماس کوک در سال ۱۸۴۱ اولین تورهای گروهی را با استفاده از قطار در انگلستان سازماندهی کرد. کوک از این تجربه برای توسعه آژانس‌های مسافرتی و تورهای سازمان‌یافته به مقاصد مختلف استفاده کرد. با ارائه تورهای گروهی، سفر برای اقشار بیشتری از جامعه قابل دسترس شد و به مردم این امکان را دادند که بدون دغدغه برنامه‌ریزی و تدارکات، به سفر بروند.

«اختراع خودرو» نیز از عوامل مهم در تسهیل جابه‌جایی و گردشگری، به خصوص گردشگری شخصی بود. در ۱۸۸۶ کارل بنز اولین خودرو با موتور احتراق داخلی را ساخت و در ۱۹۰۸ هنری فورد، مدل T (اولین خودروهای تجاری قابل دسترس) را به بازار عرضه کرد. با اختراع و توسعه اتومبیل، افراد توانستند به صورت مستقل و آزادانه به سفر بروند. اتومبیل‌ها امکان سفر به مناطق دورافتاده و مقاصد غیرقابل دسترس با وسایل نقلیه عمومی و خصوصی را فراهم کردند که نقش مهمی در دسترسی عموم مردم به سفرهای جاده‌ای داشتند. «توسعه هتل‌ها و خدمات اقامتی» نیز کمک دیگری به این صنعت بود. با افزایش تعداد مسافران، نیاز به خدمات اقامتی گسترش یافت. هتل‌ها و مهمانخانه‌های مدرن در شهرهای بزرگ و مقاصد گردش‌گری توسعه یافتند. هتل‌های زنجیره‌ای و لوکس، مانند هتل‌های ریتز (تاسیس در ۱۸۹۸ در پاریس) و هیلتون (تاسیس در ۱۹۲۵ در دالاس ایالت تگزاس)، به تدریج در نقاط مختلف جهان تأسیس شدند.

پس از جنگ جهانی دوم، دو اتفاق بسیار مهم، یکی در زمینه فن‌آوری و دیگری در زمینه اجتماعی رخ داد. هر چند که در ۱۹۰۳ برادران رایت اولین پرواز موفق با هواپیمای موتوردار را انجام دادند، ولی تا ۱۹۵۸ که «هواپیمای جت مسافربری تجاری» بوئینگ ۷۰۷ اولین پرواز خود را انجام داد، مردم عادی سوار هواپیما نشده بودند. اولین پرواز تجاری بوئینگ ۷۰۷ در تاریخ ۲۶اکتبر ۱۹۵۸ توسط شرکت هواپیمایی پان‌آمریکن انجام شد. این پرواز از نیویورک به پاریس بود و سرعت و ظرفیت بالاتری نسبت به هواپیماهای پیستونی قدیمی‌تر داشت، که آغازگر دوره جدیدی در صنعت هوانوردی و گردشگری بین‌المللی بود. این هواپیما ۱۸۱ صندلی داشت و پروزاش تقریباً ۸ ساعت و ۴۱ دقیقه به طول انجامید که یک توقف کوتاه در گاندر (کانادا) برای سوخت‌گیری داشت. قیمت این پرواز برای رفت و برگشت ۲۷۲ دلار بود که بین ۳ تا ۴ هفته حقوق کارگر آن زمان بود که گران محسوب میشد. امروز در سال ۲۰۲۴، این پرواز حدود ۵۰۰ دلار است که حدود ۳ تا ۴ روز کار یک کارگر آمریکایی است که نشان دهنده ارزانتر شدن سفر است. عامل اجتماعی مهم دیگر پس از جنگ جهانی دوم، در کنار افزایش دستمزدها، افزایش اوقات فراغت بود، زیرا بسیاری از کشورها «قوانین مربوط به تعطیلات با حقوق» را تصویب کردند (شرکت فورد در ۱۹۲۶ هفته کاری ۵ روزه و ۴۰ ساعته، سپس اروپا در دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰) که به گسترش گردش‌گری کمک کرد.

امروز در سال ۲۰۲۴، صنعت گردشگری حدود ۱۰ درصد GDP جهانی (۹ تریلیون دلار، ۳۵۰ میلیون نفر شاغل) را دارد که پس از صنعت ساخت و ساز با حدود ۱۳درصد GDP جهانی (۱۲ تریلیون دلار، ۱۰۰ میلیون نفر شاغل) و بالاتر از صنایعی مانند صنعت انرژی با حدود ۹ درصد از GDP جهانی (۸ تریلیون دلار، حدود ۷۰ میلیون شاغل)، و صنعت مراقبت‌های بهداشتی با حدود ۸ درصد از GDP جهانی (۷ تریلیون دلار، حدود ۶۵ میلیون شاغل) جای گرفته است. قاره اروپا با حدود ۵۰ درصد، آسیا و اقیانوسیه ۲۷درصد (خاورمیانه ۳درصد)، قاره آمریکا ۱۶درصد و آفریقا ۷درصد در این بازار سهم دارند. ۵ کشور اول «گردشگرپذیر» دنیا به ترتیب فرانسه، اسپانیا، آمریکا، چین و ایتالیا هستند. ۵ کشور اول «گردشگرفرست» جهان نیز به ترتیب آمریکا، چین، آلمان، بریتانیا و فرانسه هستند. ارزش صنعت گردشگری ایران حدود ۲٫۵ میلیارد دلار تخمین زده می‌شود. گردشگران ایرانی سالانه نزدیک به ۱۰ ملیون نفر هستند که بیشتر به مقاصد کشورهای همسایه مانند حوزه خلیج فارس و ترکیه سفر می‌کنند. حدود ۲۰درصد گردشگران جهان، جوان (۱۸ تا ۳۰ سال)، حدود ۴۰درصد میانسال (۳۰ تا ۴۵ سال)، حدود ۲۵درصد بزرگسال (۴۵ تا ۶۰ سال) و حدود ۱۵درصد بازنشسته (بالای ۶۰ سال) هستند. گردشگران با درآمد پایین‌تر، سفرهای کوتاه و داخلی یا به کشورهای همسایه دارند، با سطح درآمد بالاتر تمایل بیشتری به سفرهای بین‌المللی دارند، و بسیاری از سفرهای طولانی‌مدت و بین‌قاره‌ای توسط افرادی با درآمدهای بسیار بالا انجام می‌شود. گردش گران مرد و زن سهم حدودا یکسانی دارند.



nasimjonoub.com
نسیم جنوب
هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی

صاحب امتیاز: نسیم فقیه
مدیر مسئول و سردبیر:
دکتر یونس قیصی‌زاده
نشانی: بوشهر، میدان قدس، کوچه بوستان ۳۰،
دفتر نسیم جنوب - تلفن: ۳۳۳۲۵۹۰۰ - ۰۷۷
تلفن همراه و واتساب: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
لیتوگرافی و چاپ: بهارستان

هفته نامه نسیم جنوب
دیرپاترین نشریه تاریخ بوشهر
تلفن های تماس
۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
۰۷۷۳۳۳۲۸۱۵۱ - ۰۷۷۳۳۳۲۵۹۰۰
www.nasimjonoub.com

سرگذشت پزشک جنوبی منتشر شد؛

«باله با ویروس‌ها»؛ تداعی خاطرات یک پزشک زن در روزهای سیاه کرونا

کتاب «باله با ویروس‌ها» تدوین و نگارش سیدقاسم یاحسینی که در بردارنده خاطرات دکتر کتایون وحدت، پزشک و پژوهشگر جنوبی از کرونا در بوشهر است، به همت انتشارات «هامون نو» منتشر شد.

مصاحبه‌کننده و نویسنده «باله با ویروس‌ها» در این باره به خبرنگار خبرگزاری کتاب (ایبنا) در بوشهر گفت: در آغاز شیوع بیماری پاندمیک کرونا (کووید ۱۹)، در اواخر سال ۱۳۹۸ که لاجرم خودم و خانواده‌ام را خانه‌نشین و قرنطینه کردم، تصمیم گرفتم مقاله‌ای را که چند سال پیش نوشته بودم، در باب آنفلوانزای اسپانیایی در سال ۱۹۱۸ میلادی در استان بوشهر، بسط بدهم. همین سرآغازی شد برای نوشتن یک کتاب در این باب! در خلال نوشتن این کتاب بود که عمیق‌تر با ترجمه‌های دکترکتایون وحدت، خصوصاً کتابی که درباره آنفلوانزای اسپانیایی در ایران ترجمه کرده بود، آشنا شده و از آن در کتابم بهره بردم. کتاب، با عنوان «سال آزارو» در سال ۱۴۰۰ چاپ و منتشر شد و خوشبختانه مورد استقبال نیز قرار گرفت و خیلی سریع چاپ اول آن تمام شد.

سیدقاسم یاحسینی افزود: «سال آزارو» آذر ۱۴۰۱ با حضور و سخنرانی دکتر کتایون وحدت و همسرش پروفسور ایرج نبی‌پور در آیینی در بوشهر رونمایی شد. در این برنامه، دکتر نبی‌پور پیشنهاد کرد که من جلد دوم کتابم را در باب شیوع پاندمی کرونا در بوشهر بنویسم! همین یک جمله امری، جرقه‌ای در ذهنم زد و آتشی در دلم برافروخت که چند ماه فکر مرا به‌خود مشغول داشت.

به گفته وی، به‌عنوان مورخ شفاهی و کسی که پیرو تاریخ از پایین است و اطلاعات پزشکی چندانی ندارم چه می‌توانستم کنم؟ پس از چندی به ذهنم رسید تا در قالب خاطرات شفاهی و از منظر یک طبیب درگیر ماجرا، قصه شیوع این مرض و مبارزه با آن در بوشهر را از آغاز و تا پایان روایت کنم. این ایده را با دکتر وحدت که در ایام شیوع و پراکندگی گسترده این بیماری در بوشهر در صف اول مبارزه و مقابله با آن قرار داشت و خود و همسرش و فرزندانش نیز چندین بار دچار این بیماری شدند، در میان گذاشته، پس از اندکی تردید پذیرفت.

یاحسینی ادامه داد: نخستین جلسه مصاحبه و ضبط خاطرات شفاهی او پنجشنبه، ۲۱ اردیبهشت ۱۴۰۲ در دانشکده علوم پزشکی (پردیس) بوشهر انجام شد.

این مورخ اجتماعی جنوبی که عمده مطالعاتش در سال‌های اخیر صرف مطالعات زنان و بوشهرشناسی شده، تاکید کرد: در این فاصله کوشیدم تا هم اطلاعات پزشکی خودم را اندکی بالا برده و هم انواع منابع تاریخی، تحلیلی و حتی علمی درباره بیماری کووید ۱۹ در جهان و ایران بخوانم. حجم عظیم این نوشته‌ها در اینترنت موجود بود. چیزی حدود ۱۰ هزار صفحه!



از دوره دو جلدی کتاب پایه‌ای «فیزیولوژی گایتون هالی، ویرایش ۲۱۷» و «اصول پرستاری بالینی» گرفته تا کتاب‌هایی درباب فارماکولوژی، آناتومی، بیمارهای عفونی، ایمونولوژی، عصب‌شناسی، فلسفه پزشکی، اخلاق پزشکی، هوش مصنوعی، جامعه‌شناسی پزشکی، پزشکی اجتماعی و طب روحانی! سری هم به کتاب عظیم و چند جلدی قانون بوعلی سینا زدم تا ببینم چه خبر است! مولوی به من آموخته بود که با ذهن خالی نمی‌توان پرسش طرح کرد و همچنین می‌دانستم که «حُسن السؤال، نصف العلم!».



یاحسینی بیان کرد: همه آن منابع را که به فارسی بودند، دانلود کردم. برخی از مقالات، کتاب‌ها و منابع را با دقت خواندم و فیش‌برداری کردم، حدود سه هزار صفحه و برخی را صرفاً تورق کردم و از محتوای آن‌ها چیزکی برای طرح پرسش‌های خودم از خانم دکتر وحدت، الهام گرفتم. در خلال برخی روزها نیز متن خاطرات شفاهی را بیرون‌نویسی، بازنویسی، تدوین و نگارش می کردم.

به گفته نویسنده «باله با ویروس‌ها»، در میانه کار کتابی کم‌حجم اما بسیار ارزشمند به نام «رابطه پزشک و پرستار؛ نگاهی به یک رابطه پر رمز و راز» نوشته دکتر ابراهیم محبوبی، پزشک ایرانی مقیم آلمان به دستم رسید که در یک نشست بعدازظهری آن را خواندم. کتاب در حوزه اخلاق پزشکی و برپایه تجربیات چهل و پنج ساله نویسنده و همچنین سودبری از نظریه‌پردازان حوزه فلسفه پزشکی از جمله گادامر نوشته شده‌است.

وی گفت: خواندن این کتاب چشم مرا به بسیاری از پیچیدگی‌های دیالکتیکی و رابطه میان بیمار و پزشک باز کرد. فهمیدم پزشکی امروز چگونه در دام «ابزارزدگی» دچار شده و پزشک‌های جدید کمتر بر ارزش و جایگاه «گفت‌وگوی پزشک» با بیمار واقف هستند و همه چیز را در گرفتن آزمایش‌های متعدد و ضمناً پرهزینه رادیولوژی، سونوگرافی، سیتی‌اسکن، نوار قلب، اکو، آنژیوگرافی و ... از بیمار و نتایج آن‌ها خلاصه می‌کنند و بس! کتاب همچنین سرشار از طنزهای زیبای پزشکی بود از جمله این طنز ملیح و پرمعنا که در کودکی و نوجوانی والدین زندگی و عمر آدم را هدر می‌دهند، در میانه‌سالی فرزندان و کارفرمایان و در پیری پزشک‌ها!

یاحسینی با تاکید بر این‌که در خلال کار و مطالعه، ابعاد حیرت‌انگیز تنوع مطالب چاپی در فضای مجازی، مرا شگفت‌زده و ضمناً درمانده و سرگردان کرد، تصریح کرد: مطالعه آن حجم عظیم از منابع گوناگون، با دیدگاه‌های متفاوت و گاه متضاد، کاری غیرممکن بود. همچنین نیاز داشتم برای آگاهی خودم، کتاب‌ها و مقالاتی نیز درباب تاریخ پزشکی در جهان و ایران، تاریخ برخی همه گیرهای جهانی در قرون وسطی و عصر معاصر و بیمارهای خاصی چون وبا، سل، طاعون، مالاریا، آنفلولانزا، تراخم، اسهال خونی و عفونی، هپاتیتC، منتزیت، ایدز و.... بخوانم. خواندن این مطالب، برای روان‌تر کردن و آسان‌تر کردن خاطرات شفاهی دکتر وحدت، نه تنها لازم؛ بلکه ضروری بود.

این مورخ جنوبی یادآور شد: سرانجام کتاب در دو بخش اصلی تدوین و نگارش شد؛ بخش اول، از تولد تا شیوع کووید ۱۹ است و بخش دوم تماماً اختصاص به خاطرات شفاهی دکتر وحدت از دو سال و اندی شیوع کرونا در جهان، ایران به‌خصوص بوشهر دارد.

این کتاب به همت انتشارات «هامون نو» با مدیریت زوج پژوهشگر بوشهری یعنی اسماعیل حسام‌مقدم و مهدیه امیری‌دشتی در زمستان ۱۴۰۳ راهی بازار نشر شد. خوشحالم که «تاریخ را به دقیقه اکنون» نوشته‌ام! نوشتن تاریخ حین وقوع حادثه، مزایا و معایب چندی دارد. معایب آن، ندیدن و ندانستن تبعات میان مدت و دراز مدت آن واقعه و حادثه است؛ اما حُسن کار، ذهن تازه، حضور قهرمانان ماجرا و کنشگران واقعه است.